فصلنامه ایده های نوین روانشناسی

دوره ۱۲، شماره ۱۶، بهار سال ۱۴۰۱

مقایسه سبک های فرزند پروری و تاکتیک های تعارض زناشویی بر اساس ترتیب تولد زوج

زلیخا جوادی ساریخان بگلو[۱]، علیرضا بوستانی پور[۲]

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین تفاوت سبک‌های فرزند پروری و تاکتیک‌های تعارض زناشویی بر اساس ترتیب تولد زوج بود. روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع پس رویدادی یا علّی– مقایسه ای است. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق شامل کلیه زوج های مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روانشناسی شهر تهران می باشد که حداقل دو سال از مدت ازدواج آنها سپری شده باشد. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۱۵۰ زوج (۳۰۰ نفر) مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران می باشد که به صورت در دسترس انتخاب شدند. جهت گرداوری اطلاعات از پرسشنامه شیوه فرزندپروری بامریند (۱۹۶۶) و پرسشنامه تاکتیک های حل تعارض استراوس و همکاران (۲۰۰۷) استفاده شد. از روش تحلیل واریانس جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد. نتایج نشان داد، که بین سبک های فرزند پروری مقتدرانه، سهل گیرانه و مستبدانه در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. همچنین نتایج نشان داد که بین تاکتیک حمله و مذاکره (فرم پرخاشگر-قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. در آخر نتایج نشان داد، که بین تاکتیک مذاکره (فرم قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. اما بین تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوت وجود داشت.

کلید واژه ها: سبک‌های فرزند پروری، تاکتیک‌های تعارض زناشویی، ترتیب تولد.

[۱] کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران (javadi.f60@gmail.com)

[۲] استادیار، گروه روان شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، ایران (نویسنده مسئول)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

مقدمه

ترتیب تولد عامل اجتماعی تأثیر گذاری در کودکی ا ست، عاملی که سبک زندگی خود را از آن به وجود می‌آوریم. با این که خواهر برادرها والدین یکسانی دارند و در یک خانه زندگی می‌کنند ولی محیط های اجتماعی همانندی ندارند. بزرگ‌تر یا کوچکتر بودن از خواهر برادرها و قرار گرفتن در معرض نگرش‌های متفاوت والدین، شـــرایط کودکی متفاوتی را به بار می‌آورند که به تعیین شـخصـیت کمک می‌کنند (شـولتز و شـولتز، ۲۰۰۵، ترجمه سـید محمدی، ۱۴۰۰). آیا موقعیت شـخص در میان برادران و خواهرانش یک اثر ماندگار در زندگی او دارد؟ این سـوالی اسـت که ذهن جامعه علمی و عموم مردم را بیش از صد سال به خود مشغول کرده است (راهر و همکاران[1] ۲۰۱۵). بی شک، آدلر یکی از اولین نظریه پردازان در حوزه روانشنا سی شخصیت ا ست که در مطالعاتش به اثرات مفهوم ترتیب تولد[2]پی برد و معتقد ا ست که ترتیب تولد فرزندان با تأثیر اجتماعی بسـیار مهم در دوران کودکی، نقش بنیادی در سـبک زندگی افراد ایفا می کند به عبارت دیگر آدلر معتقد ا ست که با وجود اینکه خواهر و برادر[3]، والدین یکسانی دارند و در یک خانه زندگی می کنند؛ اما محیط های اجتماعی همانندی ندارند. بزرگتر یا کوچکتر بودن از خواهر و برادر دیگر و قرارگرفتن در معرض پسـخوراند های متفاوت والدین، شـرایط کودکی متفاوتی را به وجود می آورد که به تشـکیل شـخصـیت فرد، کمک می کند (آنیانوو[4] و همکاران، ۲۰۱۸). ترتیب تولد یک موضوع پیچیده در روانشناسی است که بسیاری از محققان برای مشخص کردن خصوصیات ویژه شخصیت بر أ ساس ترتیب تولد تلاش زیادی کرده اند اما هنوز به توافق جامع و رو شنی در این زمینه نر سیده اند. وجود اثرات ترتیب تولد در نوع خودش جالب ا ست و ممکن ا ست کاربردهای عملی نیز دا شته با شد. آدلر عنوان کرده ا ست که ترتیب تولد تأثیر ثابتی بر شیوه زندگی (نحوه برخورد همیشگی یک فرد با تکالیف زندگی ازجمله دوستی، شغل و عشق) دارد. آدلر برای ترتیب تولد ۵ جایگاه روانشـــناختی را مشـــخص کرده اســـت؛ فرزند اول، فرزند دوم از فقط دو فرزند در خانواده، فرزند میانی، فرزند آخر، تک فرزند. این محقق بیان می کند که فرزند اول با به دنیا آمدن فرزندان بعدی جایگاه مطلوب خود را در خانواده از دسـت می دهد و لذا مجبور می شـود برای حق خود بجنگد. او این وضـعیت را به بیرون از خانواده نیز تعمیم می دهد و در بزرگسالی شخصیتی محافظه کار و مخالف تغییرات پیدا می کند و همیشه تصور می کند که دیگران علیه او قیام خواهند کرد. برخی از نظر یه پردازان معتقدند که جایگاه کودک در خانه تأثیر بســیاری بر

[1]. Rohrer Egloff & Schmukle
[2] Birth order
[3] Sibling
[4] Anyanwu

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

خصوصیات شخصیتی فرد دارد که مستقیما بر رفتار آن ها، داخل و خارج از خانه تأثیر می گذارد (رابین[1] و همکاران، ۲۰۱۳؛ به نقل از نعیم و همکاران، ۱۳۹۷).

از نظر آدلر فرزندان اول در خانواده حس ریاست و اخلاق مدیرآمرانه ای دارند و افرادی وظیفه شناس، مسئول، هدفمند و طرفدار هنجار ها هستند. فرزندان میانی بیشتر پیرو و آرام هستند و در برابر مشکلات مقاومت خوبی از خود نشان می دهند و فرزندان آخر تمایل بیشتری به دلسوزی دارند، محبوب تر بوده و نسبت به خواهر و برادر های بزرگتر انعطاف پذیری بیشتری دارند و بیشتر به دنبال حل مشکلات هستند. تک فرزندان همیشه جایگاه بالاتر و برتری را که در خانواده دارند، از دست نمی دهند و همیشه کانون توجه باقی می مانند و دارای نیاز بالا به کسب موفقیت، کمالگرایی، اعتماد به نفس، منطقی و عالمانه رفتارکردن، استقلال و احساس تدافعی داشتن هستند. ترتیب تولد افراد با نحوه شکل گیری عزت نفس و دیگر ویژگی های روانشناختی انسان ها می تواند رابطه معناداری داشته باشد (سهبانی و سهبانی، ۱۴۰۰). همانگونه که نتایج پژوهش دریای لعل و همکاران (۱۳۹۸)، نشان می‌دهد که زنان مبتلا به اختلال و سواس بیشتر فرزند سوم و مردان فرزند اول هستند. از سویی امتیاز تاب آوری و مهارت های اجتماعی در میان فرزندان آخر و پس از آن فرزندان اول، میانی و تک فرزندان است. همچنین کمترین نمره شادی در میان فرزندان میانی وجود دارد (زورور[2] و همکاران، ۲۰۲۱).

ترتیب تولد احتمالا بر شیوه های فرزند پروری نیز مؤثر است. منظور از شیوه های فرزندپروری «روش های تربیتی است که والدین در تربیت فرزندان خود رعایت می کنند» السیابی[3] و همکاران(۲۰۲۱). سبک‌های فرزندپروری به عنوان راهبرد هایی تعریف می شوند که به طور منظم توسط والدین هنگام بزرگ کردن فرزندان خود استفاده می‌شوند (سروتی[4] و همکاران، ۲۰۱۷). سبک اصلی فرزند پروری ناشی از ترکیبی از پذیرا بودن و پاسخگویی والدین است و در عین حال خواسته های یک کودک در حال رشد را نیز بررسی می کند. سبک های فرزند پروری مقتدرانه منجر به بهترین نتایج، هم از نظر سلامت روانی و هم از نظر رفتار، برای فرزندان می شود. این سبک شامل درخواست از کودک و همچنین نشان دادن گرمی در ارتباط با کودک است. در حالی که یک والدین مستبد از فرزند خود مطالباتی را مطرح می کنند، که فاقد صمیمیت است. والدین سهل گیر دارای مولفه صمیمیت هستند، اما از کودک خواسته ای ندارند. سبک های فرزند پروری ارتباط مستقیمی با نوع ارتباط والدین با فرزندان خود دارند. هنگامی که به ترتیب تولد نگاه می کنیم، فرزندان اول به طور قابل توجهی نمرات بالاتری در درک استقلال نسبت به فرزندان بعدی داشتند (وان والکوم[5] و همکاران، ۲۰۱۹). فرزند پروری به عنوان سبک تربیت فرزند به مسئولیت مادر و پدر، با هم یا به طور مستقل برای آماده کردن کودک برای جامعه و فرهنگ اشاره دارد که فرصت کافی برای کودک فراهم می کند تا ریشه، تداوم و احساس تعلق پیدا کند.

[1] Rubin
[2] Zrour
[3] Alsyabi
[4] Sruthy
[5] Van Volkom

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

همچنین به عنوان عامل مؤثر اجتماعی شـدن عمل می کند. اگرچه فرزندپروری به عنوان برداشـتی که والدین از نگرش خود نسـبت به کودک دارند، در پویایی رفتار برای تحقیقات روانشـناختی اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار اسـت. تجربیات فردی نه تنها به ایجاد حس هویت و خود آرمانی کمک می کند، بلکه ممکن ا ست او را به درک، تفکر و عمل به شیوه ای خود راهبر سوق دهد (تایگی[1] و همکاران ۲۰۱۷).

روابط والدین با کودک ابعاد مختلفی دارد و فقط شـامل تغییرات یکنواخت نمی‌شـود(دولتی، ۱۳۹۰). سـبک‌های فرزند پروری یکی از مهم‌ترین و شـایع‌ترین روش‌هایی که می‌توان به‌وسـیله آن تأثیرات والدین را بر روند رشـد و تحول انسـان بررسـی نمود (عبدالغفور و همکاران[2] ۲۰۱۴). سـبک‌های فرزند پروری «ترکیب‌هایی از رفتارهای والدین اسـت که در موقعیت های گسـترده‌ای روی می‌دهد و جو فرزند پروری پایداری را به وجود می‌آورد» (برک[3] ۱۴۰۰). بامریند در مطالعات خود سه ویژگی را آ شکار می سازد که روش مؤثر را از روش‌های نه چندان مؤثر فرزند پروری جدا می سازد. این سه ویژگی عبارتند از: ۱)پذیرش و روابط نزدیک، ۲)کنترل و ۳)ا ستقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی سه شیوه فرزند پروری مشـخص می‌شـود: مقتدر[4]، مسـتبد[5]، سـهل گیر[6]. شـیوه مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می شود، شیوه مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک، پایین؛ از نظر کنترل اجباری، بالا و از نظر استقلال دادن پایین است و والدین با شیوه فرزند پروری آسان‌گیران روشی مهرورز و پذیرا را نشان داده، متوقع نیستند و کنترل کمی بر فرزندان خود اعمال می‌کنند (دیاز[7] ۲۰۰۵). شواهد پژوهشی حاکی از این است که ترتیب تولد فرزندان می‌تواند نحوه‌ی برخورد پدر و مادر با آنان را تحت تأثیر قرار دهد. به طور مثال در پژوهش السیابی و همکاران(۲۰۲۱)، اثر متقابلی بین تعداد اعضای خانواده و ترتیب تولد در سبک فرزندپروری پدر مستبدانه مشاهده شد. از طرفی مطالعه وان والکوم و همکاران، (۲۰۱۹)، نشان داد ترتیب تولد بر هیچ یک از جنبه های تربیتی خواهر و برادر تأثیر معنی داری نداشـت، اما تفاوت هایی در وظیفه شـناسـی و روان رنجوری نشـان داد. همچنین نتایج پژوهش ترسـیاو[8] همکاران (۲۰۱۸)، نشان داد که بین سبک فرزندپروری مستبدانه با ترتیب تولد، بعد خانواده و همچنین جنسیت رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش تایگی و همکاران نیز (۲۰۱۷)، حاکی از آن اسـت که شـخصـیت نوجوانان به ترتیب تولد ارتباطی سبک فرزندپروری والدین ندارد. مطالعه نیلفر[9](۲۰۱۶) نشان داد، ترتیب تولد فرزندان با سبک‌های فرزند پروری مادر رابطه دارد بدین صورت که فرزندان آخر مادر خود را کنترل کننده می‌دانستند، اما سبک فرزند پروری

[1] Tyagi
[2].Abdul Gafor & Kurukkan
[3]. Burke
[4]. authoritative
[5]. authoritarian
[6]. permissive
[7]. Diaz
[8] Theresya
[9]. Nilüfer

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

پدران با ترتیب تولد فرزندان رابطه ندا شت. مطالعه‌ی هالرز-هالبوم[1](۲۰۱۴) نیز نشان داد، مادران حساسیت و وابستگی بیشتری نسبت به فرزند اول خود در مقایسه با فرزندان دیگر نشان می‌دهند. مطالعه کلر[2]و ژاک[3](۲۰۰۲) نشان داد که مادران تمایل به صرف وقت بیشتری با فرزندان اول خود دارند. پدران نیز تمایل به صرف وقت بیشتری با فرزندان اول خود دارند، به خصوص اگر آن فرزند پسر باشد. مطالعه سومایا و همکاران (۲۰۰۰) نشان داد، ترتیب تولد والدین بر شیوه های فرزندپروری آنها تاثیر دارد. بدین صورت که ۷۳۰ داوطلب ژاپنی که دارای یک خواهر و یک برادر بودند به عنوان افراد نمونه انتخاب شدند. فرزندان پسر بزرگتر به شدت تمایل داشتند در فرزندپرورشان از الگوهای طرد کننده استفاده کنند؛ در حالی که فرزندان دختر بزرگتر در فرزندپرورشان از الگوهای حمایتی و گرم استفاده می کردند. مطالعه اسپوتا و پائولسون (۱۹۹۵) نشان داد، تفاوت ترتیب تولد فرزندان در پیشرفت تحصیلی و درک از شیوه های فرزند پروری نوجوانان تاثیر داشت.

از دیگر متغیرهایی که می‌تواند تحت تأثیر نقش ترتیب تولد قرار بگیرد، تاکتیک‌های تعارض زناشویی است. تعارض زناشویی، نوعی عدم توافق مداوم و معنادار بین دو همسر است که توسط یکی از آن ها گزارش می شود و ویژگی ارتباطی این گونه زوج ها عیب جوئی و سرزنش دائمی، ذهن خوانی و حملات تدافعی، هیجانات منفی زیاد و هیجان مثبت اندک است (دنبار و ماچین،[4] ۲۰۱۴). تعارض جزء گریزناپذیر روابط انسانی است و هر چه روابط صمیمانه‌تر باشد، تعارض بیشتری محصول آن است؛ اما اکثر زوج‌ها از تعارض و هیجانات منفی همراه با آن خشم، رنجش، حسادت، دلخوری، آزار، تنفر و انزجار می‌ترسند و مشکلاتی در یادگیری چگونگی مقابله با آن دارند. یک روش رایج برای مقابله با این هیجانات، فرونشانی آن‌ها با این آرزوست که خودشان در طول زمان ناپدید می شوند (گلسر، ۲۰۰۰، ترجمه از صاحبی،۱۴۰۰). کلوت[5]و همکاران[6](۲۰۰۷) یک مفهوم سازی چند بعدی از خشونت و تاکتیک‌های حل تعارض در زوج ها، ارائه داده‌اند که از تاکتیک‌های منفعلانه همچون بحث و گفتگوی آرام تا حملات فیزیکی خشن در نوسان است. این مفهوم سازی مشتمل بر پنج بعد می‌باشد: مقیاس مذاکره اقداماتی را در برمی گیرد که نشان دهنده تلاش برای بحث یا روش‌های حل تعارض به شیوه مسالمت آمیز و غیر خشونت بار است. این مقیاس شامل آیتم‌های مذاکره شناختی (نشان دهنده تلاش‌ها برای فرو نشاندن اختلاف) و هیجانی (نشان دهنده آهنگ هیجانی مثبت در بحث) می‌باشد. بعد پرخاشگری روان‌شناختی آیتم‌هایی را در برمی گیرد که نشان دهنده اقدامات آسیب‌زای کلامی و هیجانی در برابر همسر است. مقیاس حمله فیزیکی به استفاده از خشونت فیزیکی برای مدیریت تعارض‌ها اشاره دارد. مقیاس اجبار جنسی آیتم‌هایی را شامل می شود که نشان دهنده اجبار جسمی و روانی همسر برای داشتن فعالیت جنسی ناخواسته است و در نهایت مقیاس صدمه میزان درد، آسیب بافت یا استخوان و نیاز به مراقبت پزشکی به عنوان پیامدی از اعمال خشونت بار (اجبار جنسی

1. Hallers-Haalboom
2. Keller
3. Zach
4. Dunbar & Machin
5. Calvete, Corral & Estévez
6. Estévez

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

یا حمله جسمی) را مورد اندازه گیری قرار می‌دهد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۳). شواهد پژوهشی پیشین از جمله: مطالعه بریشا[1] و همکاران (۲۰۲۱)، نشان داد فرزندان اول در تصمیم گیری منطقی هستند و حل مشکل را در حل تعارض ترجیح می دهند. متولدین میانی تصمیم گیرندگان شهودی هستند و از سازش در مدیریت تعارض استفاده می کنند. فرزندان آخر به طور منطقی تصمیم می گیرند و در موقعیت های متضاد هم از سازش و هم از حل مسئله استفاده می کنند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که فرزندان آخر نگرش مثبت‌تری نسبت به تصمیم‌گیری مشارکتی دارند و پس از آن فرزندان میان‌زاده، اول‌زاده‌ها و تک‌فرزندان قرار دارند. از سویی دیگر نتایج اوکای[2] و همکاران (۲۰۲۰)، نشان داد که؛ ترتیب تولد تأثیر قابل توجهی بر سازگاری زناشویی در میان مردان و زنان متاهل ندارد. نتایج پژوهش ایمان زاده و همکاران (۱۴۰۰)، نشان داد رابطهٔ جنسی، داشتن تحصیلات پایین، سابقه ازدواج قبلی و تجربهٔ خیانت یکی از زوجین، از عوامل مؤثر در بروز تعارض و طلاق است و در نقطهٔ مقابل، تحصیلات بالاتر، وابستگی درآمدی (درآمد پایین‌تر زوجه) و خانوادهٔ پرجمعیت پدری (ترتیب تولد بالاتر از ۴ برای یکی از زوجین) از مهم‌ترین دلایل رضایت و سازش زوجین در خانواده‌های موردمطالعه است. همچنین مطالعه اطمینان (۱۳۹۶)، نشان داد بین ترتیب تولد و پیکربندی در خانواده با پنج سبک اصلی زندگی (نیاز به تأیید، کنار آمدن، مسئولیت پذیری، محتاط بودن و تعلق) رابطهٔ معناداری بدست آمد و از میان پنج سبک فرعی زندگی، تنها دو سبک زندگی مستحق بودن و سختگیرانه با ترتیب تولد و پیکربندی خانوادگی رابطهٔ معناداری داشتند. دیگر پژوهش ها حاکی از این است که ترتیب تولد می‌تواند بر تاکتیک های حل تعارض فرزندان تأثیر گذارد (بونیسلی[3] و همکاران، ۲۰۱۱) و تاکتیک های حل تعارض بین خواهر برادران با تاکتیک های حل تعارض زناشویی مرتبط است (شالاش[4] ۲۰۱۱). به علاوه شواهد پژوهشی نشان می دهد که ترتیب تولد فرزندان می‌تواند نحوه‌ی برخورد روابط زوج ها تحت تأثیر قرار دهد. مطالعه قادری و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد، بین ترتیب تولد و رضایتمندی زناشویی رابطه وجود دارد. بین ترتیب تولد زوج ها فرزند اول و آخر با رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد؛ اما بین ترتیب تولد تک فرزند ها و فرزند میانی با رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. مطالعه زندی (۱۳۹۳) نشان داد بین رضایت زناشویی و ترتیب تولد رابطه معناداری وجود ندارد. مطالعه وس و هایدن (۱۹۸۵) نشان داد، بین سازگاری زناشویی زوج ها و ترتیب تولد آنها رابطه معناداری وجود ندارد. مطالعه وینچ (۱۹۶۷) در زمینه اثر صفات شخصیتی بر موفقیت زندگی زناشویی نشان داد که ویژگی های شخصیتی با موقعیت های مختلف ترتیب تولد در ارتباط هستند و این هر دو این موارد می تواند بر سازگاری زناشویی تاثیر گذار باشد. به‌طور خلاصه به نظر می رسد، ترتیب تولد فرزندان نقش می‌تواند نقش عمده‌ای بر روابط خانوادگی و زناشویی آنان در بزرگ سالی داشته باشد؛ اما تأثیر این متغیر بر سبک‌های فرزند پروری و تاکتیک‌های حل تعارضات زناشویی به‌طور کامل برجسته نشده است؛ بنابراین با توجه به آنچه گفته شد

[1] Berisha
[2] Okoi
[3]. Bonisoli
[4]. Shalash

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

پژوهش حا ضر بر آن ا ست بدین سؤال پا سخ دهد که آیا تاکتیک‌های حل تعار ضات زنا شویی و سبک‌های فرزند پروری زوج‌ها بر اساس ترتیب تولد آن ها با هم تفاوت دارد؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در زمره ی پژوهش های توصیفی (پس رویدادی یا علّی– مقایسه ای) قرار دارد. در این نوع پژوهش، محقق با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می پردازد؛ به عبارت دیگر پژوهش علّی- مقایسه ای گذشته نگر بوده و سعی بر آن دارد که از معلول به علت احتمالی پی ببرد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر به مقایسه سبک های فرزند پروری و تاکتیک های تعارض زناشویی (به عنوان متغیرهای وابسته) بر اساس ترتیب تولد (به عنوان متغیر مستقل) در زوج ها پرداخته شد. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق شامل کلیه زوج های مراجعه کننده به مراکز م شاوره و روان شنا سی شهر تهران می با شد که حداقل دو سال از مدت ازدواج آنها سپری شده با شد. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۱۵۰ زوج (۳۰۰ نفر) مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران می باشد که به صورت در د سترس و از بین افراد داوطلب انتخاب شدند.گردآوری اطلاعات در این پژوهش با ا ستفاده از پر س شنامه صورت گرفت. روش گردآوری اطلاعات به این صورت بود که پس از جلب ر ضایت زوج ها در پژوهش، ابتدا تو ضیحات کاملی در مورد نحوه تکمیل آزمون‌ها ارائه شد. سپس پر س شنامۀ تاکتیک های حل تعارض ا ستراوس و همکاران (۲۰۰۷) و پر س شنامه شیوه فرزندپروری بامریند (۱۹۶۶) تو سط آن‌ها تکمیل گردید و در نهایت بعد از جمع آوری اطلاعات، داده های حا صل مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

پرسشنامه شیوه فرزندپروری بامریند (۱۹۶۶)

این ابزار اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱) از آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. جمله‌های ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴ و ۲۸ مربوط به حیطه‌ی آزادگذارانه، جمله‌های ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶ و ۲۹ مربوط به حیطه‌ی استبدادی و جمله‌های ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷ و ۳۰ مربوط به شیوه‌ی مقتدارنه است. در این پژوهش آزمودنی‌ها با مطالعه هر ماده، نظر خود را با علامت × بر ح سب یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم) م شخص کنند که بعداً و به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری شده و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به د ست می‌آید (صلیبی و همکاران، ۱۳۹۲). بوری[1](۱۹۹۱) برای م شخص کردن روایی پر س شنامه از روش افتراقی ا ستفاده نموده و نتایج آن بدین صورت ا ست که سبک آمرانه مادر با سبک سهل‌گیر مادر رابطه معکوس ۰/۳۸، سبک آمرانه پدر با سبک سهل‌گیر پدر رابطه معکوس ۰/۵۰، سبک آمرانه مادر با سبک اقتداری مادر رابطه معکوس ۰/۴۸، سبک آمرانه پدر با سبک اقتداری پدر رابطه معکوس ۰/۵۲- داشت، در حالی‌که سبک اقتداری مادر با

[1].Buri

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

سبک سهل‌گیر مادر ۰/۰۷ و سبک اقتداری پدر با سبک سهل‌گیر پدر ۰/۱۲ همبستگی مثبت غیرمعنادار داشتند. بوری (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی برای سبک اقتداری مادر ۰/۷۸، برای سبک اقتداری پدر ۰/۹۲، برای سبک آمرانه مادر ۰/۸۶، برای سبک آمرانه پدر ۰/۸۵، برای سبک سهل‌گیر مادر ۰/۸۱ و برای سبک سهل‌گیر پدر ۰/۷۷ بدست آورده است. در پژوهش حاضر مقدار آلفا کرونباخ ۰/۷۴ بدست آمده که نمایانگر پایایی مناسب این ابزار می باشد.

پرسشنامه تاکتیک های حل تعارض استراوس و همکاران (۲۰۰۷)

این پرسشنامه شامل دو آزمون با ماده های تکرار شده است. نیمی از ماده ها در بردارنده توصیف اعمال پرخاشگر است (فرم پرخاشگر) و نیمی دیگر اقدامات همسر در قبال رفتار شخص پرخاشگر (فرم قربانی) را می سنجد و خشونت جسمانی و روان شناختی زوج ها علیه یکدیگر را در ۱۲ ماه گذشته را مورد سنجش قرار می دهد. پرسشنامه اصلی یک ابزار ۷۸ سوالی است و در بردارنده پنج مقیاس می باشد که عبارتند از: مذاکره (۶ ماده)، پرخاشگری روان شناختی (۸ ماده)، حمله جسمانی (۱۲ ماده)، اجبار جنسی (۷ ماده) و صدمه (۶ ماده) است. ولی پرسشنامه مورد تجدید نظر قرار گرفته توسط پناغی و همکاران (۱۳۹۰) دارای ۵۲ ماده و دارای سه مذاکره (۶ ماده)، خشونت روانی (۸ ماده) و حمله جسمانی (۱۲ ماده) است که در این تحقیق از آن استفاده شده است. در این پرسشنامه آزمودنی ها میزان توافق خود را در یک طیف ۷ درجه ای از «۰ = هرگز تا ۷= بیش از ۲۰ بار درسال گذشته» مشخص می کنند. بدین ترتیب که به جواب هرگز نمره ۰، درسال گذشته نبوده ولی قبل از آن بوده ۱، یکبار درسال گذشته ۲، دو بار درسال گذشته ۳ و سه الی پنج بار درسال گذشته ۴، شش الی ۱۰ بار درسال گذشته ۵، یازده الی بیست بار درسال گذشته ۶ و بیش از ۲۰ بار درسال گذشته نمره ۷ داده می شود. مطالعات گوناگون شواهدی دال بر پایایی و روایی قابل قبول این آزمون در کشورها و فرهنگ های مختلف ارائه داده اند (از جمله استراوس و همکاران، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۷؛ مورس و رینکهم، ۲۰۰۲، نیوتن و همکاران، ۲۰۰۱) (به نقل از پناغی و همکاران، ۱۳۹۰). پایایی زیر مقیاس ها توسط استراوس و همکاران (۱۹۹۶) در نمونه ای از دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت، ان ها دریافتند که دامنه همسانی درونی از ۰/۷۹ تا ۰/۹۵ در نوسان است. همچنین ۴۱ پژوهش دیگر همسانی درونی را بررسی کرده اند. در این مطالعات ضریب آلفا از ۰/۳۴ نا ۰/۹۴ با میانگین ۰/۷۷ متغیر بوده است (استراوس، ۲۰۰۷). در پژوهش حاضر مقدار آلفا کرونباخ ۰/۸۹ بدست آمده که نمایانگر پایایی مناسب این ابزار می باشد. در بررسی ویژگی های روان سنجی این پرسشنامه همبستگی میان آن و سه مقیاس آزار جسمی و آسیب (استراس، ۲۰۰۴)، سوء استفاده و خشونت جسمی و سلطه گری در روابط عشقی به عنوان شاهدی بر روایی سازه و پیش بین آن گزارش شده است (محمد خانی و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین ضریب آلفای کرونباخ پنج خرده مقیاس پرخاشگری روان شناختی، مذاکره، حمله جسمانی، اجبار جنسی و صدمه به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۶، ۰/۸۷ و ۰/۹۵ گزارش شده است (استراوس و همکاران، به نقل از محمدی، ۱۳۸۹). در ایران ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس از ۰/۷۹ برای خرده مقیاس پرخاشگری روان شناختی تا ۰/۹۱ برای خرده مقیاس مذاکره گزارش شده است (محمد خانی و همکاران، ۱۳۸۹).

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

تجزیه و تحلیل داده‌های توصیفی از روش‌های آمار توصیفی فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و برای تحلیل داده‌های استنباطی برای همه سوال‌های پژوهش از روش تحلیل واریانس استفاده شد.

یافته های پژوهش

در این بخش، سیمای نمونه آماری تحقیق برحسب پاره ای ویژگی‌های زمینه ای مانند ترتیب تولد، مدت زمان ازدواج، تحصیلات و سن شرکت کنندگان در پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. که شمای کلی این نتایج در جداول ذیل ارائه می‌گردد:

جدول ۴- ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ترتیب تولد، طول مدت ازدواج، تحصیلات و سن

	ترتیب تولد	فراوانی	درصد
	اول	۸۸	۲۹/۳
	دوم	۸۰	۲۶/۷
ترتیب تولد	آخر	۷۸	۲۶
	سایر	۵۴	۱۸
	جمع کل	۳۰۰	۱۰۰
	سال ۲- ۵	۲۷	۱۸
	سال ۱۰-۶	۲۱	۱۴
طول مدت ازدواج	سال ۱۵-۱۱	۳۵	۲۳
	سال ۲۰-۱۶	۱۲	۷/۷
	بالای سال ۲۰	۵۵	۳۷/۳
	جمع کل	۱۵۰	۱۰۰
	زیر دیپلم	۲۰	۶/۷
	دیپلم	۷۴	۲۴/۷
تحصیلات	فوق دیپلم	۳۰	۱۰
	لیسانس	۱۰۴	۳۴/۷
	فوق لیسانس	۶۲	۲۰/۷
	دکترا	۱۰	۳/۳
	جمع کل	۳۰۰	۱۰۰
	۲۰-۳۰ سال	۳۳	۱۱
	۳۱-۴۰ سال	۱۰۹	۳۶/۳
سن	۴۱-۵۰ سال	۸۱	۲۷
	۵۱ به بالا	۷۷	۲۵/۷
	کل	۳۰۰	۱۰۰

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

در جدول (۴- ۱) فراوانی و درصد شرکت کنندگان به تفکیک ترتیب تولد ، ۲۹/۳ درصد (۸۸ نفر) فرزند اول، ۲۶/۷ درصد (۸۰ نفر) فرزند دوم، ۲۶ درصد (۷۸ نفر) فرزند آخر و ۱۸ درصد (۵۴ نفر) سایر فرزندان بودند. بر حسب مدت ازدواج، ۱۸ درصد (۲۷ نفر) بین ۲ تا ۵ سال، ۱۴ درصد (۲۱ زوج) بین ۶ تا ۱۰ سال، ۳۵ درصد (۲۳ زوج) بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۷/۷ در صد (۱۲ زوج) بین ۱۶ تا ۲۰ سال و ۳۷/۳ در صد (۵۵ زوج) بیشتر از ۲۰ سال از ازدواجشان گذشته بود. بر حسب تحصیلات، ۶/۷ درصد (۲۰ نفر) دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۴/۷ درصد (۷۴ نفر) دیپلم، ۱۰ درصد (۳۰ نفر) فوق دیپلم، ۳۴/۷ در صد (۱۰۴ نفر) لیسانس، ۲۰/۷ در صد (۶۲ نفر) فوق لیسانس، ۳/۳ در صد (۱۰ نفر) دکترا بودند. بر حسب سن ۱۱ در صد (۳۳ نفر) ۲۰ تا ۳۰ سال، ۳۶/۳ در صد (۱۰۹ نفر) ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۷ در صد (۸۱ نفر) ۵۰-۴۱ سال، ۲۵/۷ درصد (۷۷ نفر) ۵۱ به بالا سن داشتند.

در این بخش با محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی سعی بر آن شده است تا با نحوه‌ی توزیع و اطلاعات نهفته در متغیرهای این تحقیق می پردازد. که شمای کلی این نتایج در جدول ذیل ارائه می‌گردد:

جدول ۴-۵- میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	زیر مقیاس ها	میانگین	انحراف معیار
سبک های فرزندپروری	سهل گیرانه	۲۷/۷۳	۵/۲۲
	مقتدارنه	۴۰/۱۶	۶/۰۴
	مستبدانه	۲۲/۶۰	۵/۹۶
تاکتیک های حل تعارض (فرم پرخاشگر)	حمله	۱۴/۱۱	۵/۴۵
	مذاکره	۲۷/۷۰	۱۱
	خشونت روانی	۱۳/۳۲	۶/۶۹
تاکتیک های حل تعارض (فرم قربانی)	حمله	۱۴/۸۹	۷/۶۶
	مذاکره	۲۶/۳۳	۱۰/۴۳
	خشونت روانی	۱۳/۵۹	۷/۳۳

جدول (۴- ۵) میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را در نمونه مورد نظر نشان می دهند.

بعد از توصیف متغیرها و پاسخ های به دست آمده از جامعه آماری در این بخش به بررسی سوالات مطرح شده و آزمون آماری مورد استفاده در پژوهش پرداخته شده است. به بیان دیگر در این فصل به تحلیل یافته های به دست آمده پرداخته می‌شود.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

جدول ۴- ۶- نتایج آزمون لوین به منظور بررسی همگنی واریانس‌های سبک های فرزند پروری و تاکتیک های حل تعارضات زناشویی روانی بر اساس ترتیب تولد

متغیر	نسبت F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
سبک فرزند پروری مقتدرانه	۶/۶۵	۳	۲۹۶	۰/۰۰۰۱
سبک فرزند پروری مستبدانه	۴/۷۸	۳	۲۹۶	۰/۰۰۳
سبک فرزند پروری سهل گیرانه	۱/۲۸	۳	۲۹۶	۰/۲۸
تاکتیک حمله (فرم قربانی)	۲/۰۲	۳	۲۹۶	۰/۱۱
تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر)	۳/۳۱	۳	۲۹۶	۰/۰۲
تاکتیک مذاکره (فرم قربانی)	۲/۶۶	۳	۲۹۶	۰/۰۴
تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر)	۳/۱۹	۳	۲۹۶	۰/۰۲
تاکتیک خشونت روانی (فرم قربانی)	۲/۶۶	۳	۲۹۶	۰/۰۴
تاکتیک خشونت روانی (فرم پرخاشگر)	۳/۱۹	۳	۲۹۶	۰/۰۲

با توجه به نتایج جدول (۴- ۶) مشاهده می شود که پیش فرض همگنی واریانس های سبک فرزند پروری مقتدرانه محقق نشده است، چرا که مقادیر F به دست آمده برای این متغیر در سطح (P< ۰،۰۵) معنی دار می باشد. از سویی مشاهده می شود که پیش فرض همگنی واریانس های سبک فرزند پروری مستبدانه محقق نشده است، چرا که مقادیر F به دست آمده برای این متغیر در سطح (P< ۰،۰۵) معنی دار می با شد. همچنین پیش فرض همگنی واریانس های سبک فرزند پروری سهل گیرانه محقق شده است، چرا که مقادیر F به دست آمده برای این متغیر در سطح (P< ۰،۰۵) معنی دار نمی با شد. از سویی دیگر مشاهده می شود که پیش فرض همگنی واریانس ها برای متغیر تاکتیک حمله(فرم قربانی) محقق شده ا ست، چرا که مقادیر F به د ست آمده برای این متغیر در سطح (P< ۰،۰۵) معنی دار نمی با شد. همچنین پیش فرض همگنی واریانس ها برای متغیر تاکتیک حمله (فرم پرخا شگر)محقق ن شده ا ست، چرا که مقادیر F به د ست آمده برای این متغیر در سـطح (P< ۰،۰۵) معنی دار می باشـد. همچنین پیش فرض همگنی واریانس ها برای متغیر تاکتیک مذاکره (فرم قربانی و فرم پرخاشگر) محقق نشده است، چرا که مقادیر F به دست آمده برای این متغیر در سطح (۰،۰۵ >P)معنی دار می با شد. همچنین پیش فرض همگنی واریانس ها برای متغیر تاکتیک خ شونت روانی (فرم قربانی و فرم پرخاشگر) محقق نشده است، چرا که مقادیر F به دست آمده برای این متغیر در سطح (P< ۰،۰۵) معنی دار می باشد.

برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف استفاده شد که نتایج در جدول (۴- ۷) مشخص است.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

جدول ۴- ۷- نتایج آزمون نرمال بودن توزیع نمرات سبک های فرزند پروری و تاکتیک های حل تعارضات زناشویی

متغیر	Z	سطح معناداری
سبک فرزند پروری مقتدرانه	۰/۱۳	۰/۰۰۰۱
سبک فرزند پروری مستبدانه	۰/۰۴	۰/۲۰
سبک فرزند پروری سهل گیرانه	۰/۰۶	۰/۰۰۷
تاکتیک حمله (فرم قربانی)	۰/۳۵	۰/۰۰۰۱
تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر)	۰/۳۴	۰/۰۰۰۱
تاکتیک مذاکره (فرم قربانی)	۰/۰۶	۰/۰۰۲
تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر)	۰/۰۶	۰/۰۰۶
تاکتیک خشونت روانی (فرم قربانی)	۰/۲۲	۰/۰۰۰۱
تاکتیک خشونت روانی (فرم پرخاشگر)	۰/۲۱	۰/۰۰۰۱

با توجه به نتایج جدول (۴- ۷) م شاهده می شود که پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیر سبک فرزند پروری مقتدرانه محقق نشده ا ست، چرا که مقدار Z محا سبه شده در سطح (P<۰,۰۵) معنی دار ا ست. همچنین پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیر سبک فرزند پروری م ستبدانه محقق شده ا ست، چرا که مقدار Z محا سبه شده در سطح (P<۰,۰۵) معنی دار نیست. همچنین پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیر سبک فرزند پروری سهل گیرانه محقق شده است، چرا که مقدار Z محاسبه شده در سطح (P<۰,۰۵) معنی دار نیست. همچنین پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیرهای تاکتیک حل تعار ضات زنا شویی حمله (فرم قربانی و پرخا شگر) محقق نشده ا ست، چرا که مقدار Z محاسبه شده در سطح (P<۰,۰۵) معنی دار است. همچنین پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیرهای تاکتیک حل تعار ضات زنا شویی مذاکره (فرم قربانی و پرخا شگر) محقق نشده ا ست، چرا که مقدار Z محا سبه شده در سطح (P<۰,۰۵) معنی دار است. همچنین پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در متغیرهای تاکتیک حل تعار ضات زنا شویی خشونت روانی (فرم قربانی و پرخا شگر) محقق نشده ا ست، چرا که مقدار Z محا سبه شده در سطح (P<۰,۰۵) معنی دار است.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

جدول ۴- ۸- نتایج تحلیل واریانس سبک های فرزند پروری و تاکتیک های حل تعارضات زناشویی بر اساس ترتیب تولد

متغیر	منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
سبک فرزند پروری مقتدرانه	بین گروهی	۱۷۷/۴۷	۳	۵۹/۱۶	۱/۶۳	۰/۱۸
	درون گروهی	۱۰۷۳۴/۱۸	۲۹۶	۳۶/۲۶		
	کل	۱۰۹۱۱/۶۶	۲۹۹			
سبک فرزند پروری مستبدانه	بین گروهی	۱۹۰/۷۸	۳	۶۳/۵۹	۱/۸۰	۰/۱۴
	درون گروهی	۱۰۴۴۰/۸۰	۲۹۶	۳۵/۲۷		
	کل	۱۰۶۳۱/۵۸	۲۹۹			
سبک فرزند پروری سهل گیرانه	بین گروهی	۱۹۳/۷۰	۳	۶۴/۵۶	۲/۳۹	۰/۰۶
	درون گروهی	۷۹۷۹/۴۳	۲۹۶	۲۶/۹۵		
	کل	۸۱۷۳/۱۳	۲۹۹			
تاکتیک حمله (فرم قربانی)	بین گروهی	۱۷۵/۳۳	۳	۵۸/۴۴	۰/۹۹	۰/۳۹
	درون گروهی	۱۷۴۱۴/۰۳	۲۹۶	۵۸/۸۳		
	کل	۱۷۵۸۹/۳۷	۲۹۹			
تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر)	بین گروهی	۱۲۹/۱۴۴	۳	۴۳/۰۴	۱/۴۵	۰/۲۲
	درون گروهی	۸۷۶۲/۲۲	۲۹۶	۲۹/۶۰		
	کل	۸۸۹۱/۳۷	۲۹۹			
تاکتیک مذاکره (فرم قربانی)	بین گروهی	۶۳۸/۹۳	۳	۲۱۲/۹۷	۱/۹۷	۰/۱۱
	درون گروهی	۳۱۸۸۹/۳۹	۲۹۶	۱۰۷/۷۳		
	کل	۳۲۵۲۸/۳۳	۲۹۹			
تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر)	بین گروهی	۴۸۵/۴۷	۳	۱۶۱/۸۲	۱/۳۴	۰/۲۶
	درون گروهی	۳۵۷۳۲/۷۱	۲۹۶	۱۲۰/۷۱		
	کل	۳۶۲۱۸/۱۸	۲۹۹			
تاکتیک خشونت روانی (فرم قربانی)	بین گروهی	۲۸۰/۲۳	۳	۹۳/۴۱	۱/۷۴	۰/۱۵
	درون گروهی	۱۵۸۱۴/۱۴	۲۹۶	۵۳/۴۲		
	کل	۱۶۰۹۴/۳۸	۲۹۹			
تاکتیک خشونت روانی (فرم پرخاشگر)	بین گروهی	۳۶۵/۷۵	۳	۱۲۱/۹۱	۲/۷۷	۰/۰۴
	درون گروهی	۱۳۰۲۳/۸۸	۲۹۶	۴۴		
	کل	۱۳۳۸۹/۶۳	۲۹۹			

در جدول (۴- ۸) با اجرای آزمون تحلیل واریانس، میانگین سبک های فرزند پروری و تاکتیک های حل تعارضات زنا شویی بر حسب متغیر ترتیب تولد مورد برر سی قرار گرفت. نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری نشده است. بدین معنی که بین سبک های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه)، در زوج های با

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. همچنین میانگین تاکتیک حمله (فرم پرخاشـــگر-قربانی) بر حســـب متغیر ترتیب تولد مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری نشده است. بدین معنی که بین تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر-قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. همچنین نتایج نشـــان داد که بین تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشـــگر-قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. همچنین با اجرای آزمون تحلیل واریانس، میانگین تاکتیک خشونت روانی (فرم پرخاشگر-قربانی) بر حسب متغیر ترتیب تولد مورد بررســـی قرار گرفت. نتایج نشـــان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در فرم قربانی نشده است. بدین معنی که بین تاکتیک مذاکره (فرم قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. در حالیکه ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در فرم پرخاشگر شده است. بدین معنی که بین تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوت وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشـــان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در ســـبک فرزند پروری مقتدرانه نشـــده اســـت. بدین معنی که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. نتایج این مطالعه با پژوهش های وان والکوم و همکاران، (۲۰۱۹)، تایگی و همکاران نیز (۲۰۱۷) همســـو بود و با پژوهش های الســـیابی و همکاران(۲۰۲۱)، ترســـیا و همکاران (۲۰۱۸)، نیلفر (۲۰۱۶) هالرز-هالبوم (۲۰۱۴)، کلر و ژاک (۲۰۰۲)، ســـومایا و همکاران (۲۰۰۰)، اســـپوتا و پائولســـون (۱۹۹۵) که موید تاثیر ترتیب تولد بر ادراک از ســـبک های فرزند پروری والدین بودند، مغایرت دارد. از جمله دلایل عدم همخوانی یافته های این پژوهش با یافته های پیشـــین می توان به تفاوتهای فرهنگی، تفاوت در ابزارهای اســـتفاده شـــده و جامعه هدف در این پژوهش با پژوهش های دیگر می باشـــد. در تبیین این یافته می توان گفت، بامریند(۱۹۹۱) اظهار داشت والدین کودکان مقتدر با بیان آنچه از کودک انتظار می‌رود، به ایجاد توازن بین مهرورزی شدید، کنترل شدید و خواسته‌های فزاینده‌ای می‌پردازند. والدین دارای الگوی رفتاری قاطع و اطمینان‌بخش در امر تربیت کودکشـــان، کنترل و گرمی زیادی دارند. شـــیوه‌ی فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش باعث می‌شود فرزندان سرزنده، شاداب، دارای عزت‌نفس و خودکنترلی بالا باشند (کمیجانی و همکاران، ۱۳۸۶). بر اساس نتایج این پژوهش ویژگی های سبک فرزندپروری مقتدرانه نمی تواند تحت تاثیر ترتیب تولد فرزندان در خانواده قرار گیرد.

نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در سبک فرزند پروری مستبدانه نشده است. بدین معنی که بین سبک فرزندپروری مستبدانه در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. نتایج این مطالعه با پژوهش های وان والکوم و همکاران، (۲۰۱۹)، تایگی و همکاران نیز (۲۰۱۷) همســـو بود و با پژوهش های الســـیابی و همکاران(۲۰۲۱)، ترســـیا و همکاران (۲۰۱۸)، نیلفر (۲۰۱۶) هالرز-هالبوم (۲۰۱۴)، کلر و ژاک (۲۰۰۲)، ســـومایا و همکاران (۲۰۰۰)، اســـپوتا و پائولســـون (۱۹۹۵) که موید تاثیر ترتیب تولد بر ادراک از ســـبک های فرزند پروری والدین بودند، مغایرت دارد. از جمله دلایل عدم همخوانی یافته های این پژوهش با یافته های پیشـــین می توان به تفاوتهای فرهنگی، تفاوت در ابزارهای اســـتفاده شـــده و جامعه هدف در این پژوهش با پژوهش های دیگر می باشـــد. در تبیین این

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

یافته می توان گفت، در میان این سه الگو، الگوی استبدادی کم‌ترین مهرورزی را اِعمال می‌کند. به‌ویژه این والدین به ندرت در تعاملی که منجر به خشنودی کودک شود شرکت می‌جویند. والدین مستبد عموماً نسبت به تلاش‌های کودکان برای حمایت و توجه بی‌تفاوتند و به ندرت از تقویت مثبت استفاده می‌کنند. ابراز محبت در این الگو در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد (بامریند، ۱۹۸۶؛ به نقل از باقری، ۱۳۸۴). بر اساس نتایج این پژوهش ویژگی های سبک فرزندپروری مستبدانه نمی تواند تحت تاثیر ترتیب تولد فرزندان در خانواده قرار گیرد.

نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در سبک فرزند پروری سهل گیرانه نشده است. بدین معنی که بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. نتایج این مطالعه با پژوهش های وان والکوم و همکاران، (۲۰۱۹)، تایگی و همکاران نیز (۲۰۱۷) همسو بود و با پژوهش های السیابی و همکاران(۲۰۲۱)، ترسیا و همکاران (۲۰۱۸)، نیلفر (۲۰۱۶) هالرز-هالبوم (۲۰۱۴)، کلر و ژاک (۲۰۰۲)، سومایا و همکاران (۲۰۰۰)، اسپوتا و پائولسون (۱۹۹۵) مغایرت دارد. از جمله دلایل عدم همخوانی یافته های این پژوهش با یافته های پیشین می توان به تفاوتهای فرهنگی، تفاوت در ابزارهای استفاده شده و جامعه هدف در این پژوهش با پژوهش های دیگر می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت، والدین سهل‌گیر در عین حالی که به ظاهر نسبت به کودکان خود حساس هستند، اما توقع چندانی از آن‌ها ندارند. فقدان خواسته‌های معقول همراه با خودداری از ارائه دلیل و درگیری با کودک همواره از ویژگی‌های این شیوه به شمار می‌رود. این والدین به ندرت به فرزندان خود اطلاعات صحیح یا توضیحات ارائه می‌دهند. در عین حال والدین سهل‌گیر در توانایی‌های کنترل، والدین زورگو و سرکوبگر هستند. آن‌ها از روش‌های احساس گناه و انحراف استفاده می‌کنند. این والدین هم‌چنین در بیشتر موارد در مواجهه با بهانه‌جویی و شکایت کودک، سر تسلیم فرود می‌آورند. والدین دارای الگوی سهل‌گیر کنترل کم و گرمی زیادی نسبت به کودکان اِعمال می‌کنند (کمیجانی و همکاران، ۱۳۸۶). بر اساس نتایج این پژوهش ویژگی های سبک فرزندپروری سهل گیرانه نمی تواند تحت تاثیر ترتیب تولد فرزندان در خانواده قرار گیرد.

نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر-قربانی) نشده است. بدین معنی که بین تاکتیک حمله (فرم پرخاشگر-قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. نتایج این مطالعه با پژوهش های اوکای و همکاران (۲۰۲۰)، وس و هایدن (۱۹۸۵)، زندی (۱۳۹۳)، همسو بود و با پژوهش های بریشا و همکاران (۲۰۲۱)، بونیسلی و همکاران، (۲۰۱۱)، وینچ (۱۹۶۷)، ایمان زاده و همکاران (۱۴۰۰)، اطمینان (۱۳۹۶)، قادری و همکاران (۱۳۹۴) مغایرت داشت. در تبیین این یافته می توان گفت، تاکتیک حل تعارضات زناشویی حمله فیزیکی به استفاده از خشونت فیزیکی برای مدیریت تعارض‌ها اشاره دارد(ملکی و همکاران، ۱۳۹۳). مارگولین و برمن[1](۱۹۹۳)خشونت را نتیجه تعامل زوج در نظام زناشویی یا نتیجه رفتارهای شخصی همسر متجاوز قلمداد کرده اند. آنها بر این باورند که نگرش های نارسا نقش قابل توجهی در شکل گیری و تداوم خشونت زناشویی ایفا میکند و میتواند در قالب نقص مهارتهای ارتباطی در بحث و جدلها یا تعارض های زوج

[1] . Margolin, G., & Burman

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

درگیر خشونت جلـوه گـر شود. همزمان این همراهـی بـرای وقـوع رفتارناسـالم در رابطـه زناشویی، خطر افزوده ای ایجاد می کند (جان[1] و همکاران، ۲۰۰۸). بر اســاس نتایج این پژوهش ویژگی های تاکتیک حل تعارض حمله نمی تواند تحت تاثیر ترتیب تولد فرزندان در خانواده قرار گیرد.

نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر-قربانی) نشده است. بدین معنی که بین تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشــگر-قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. نتایج این مطالعه با پژوهش های اوکای و همکاران (۲۰۲۰)، وس و هایدن (۱۹۸۵)، زندی (۱۳۹۳)، همســو بود و با پژوهش های بریشــا و همکاران (۲۰۲۱)، بونیســلی و همکاران، (۲۰۱۱)، وینچ (۱۹۶۷)، ایمان زاده و همکاران (۱۴۰۰)، اطمینان (۱۳۹۶)، قادری و همکاران (۱۳۹۴) مغایرت داشت. در تبیین این یافته می توان گفت، افرادی که از این سبک استفاده می‌کنند این افراد در نقطه میانه پرخاشگری و مشارکت قرار دارند و با این عبارات شناخته می‌شوند"تو هم باید به سهم خودت قانع باشی" ، یا" هنگامی که اختلاف نظر وجود دارد، هر دو باید بخشی از ضرر را متحمل شوید و سهم خود را بپردازید" (ویلموت و هوکر، ۱۹۹۸؛ به نقل از اولسـون، ۲۰۰۱). بر اســاس نتایج این پژوهش ویژگی های تاکتیک حل تعارض مذاکره نمی تواند تحت تاثیر ترتیب تولد فرزندان در خانواده قرار گیرد.

نتایج نشان داد ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در فرم قربانی نشده است. بدین معنی که بین تاکتیک مذاکره (فرم قربانی) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوتی وجود ندارد. در حالیکه ترتیب تولد در گروه نمونه باعث تغییرات معناداری در فرم پرخاشگر شده است، بدین معنی که بین تاکتیک مذاکره (فرم پرخاشگر) در زوج های با ترتیب تولد های مختلف تفاوت وجود دارد. بخش اول نتایج این مطالعه با پژوهش های اوکای و همکاران (۲۰۲۰)، وس و هایدن (۱۹۸۵)، زندی (۱۳۹۳)، همســو بود و بخش دوم آن با پژوهش های بریشــا و همکاران (۲۰۲۱)، بونیســلی و همکاران، (۲۰۱۱)، وینچ (۱۹۶۷)، ایمان زاده و همکاران (۱۴۰۰)، اطمینان (۱۳۹۶)، قادری و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی داشت. در تبیین این یافته می توان گفت، خشونت روانی به صورت رفتار انتقاد ناروا، تحقیر، تمسخر، توهین، فحاشی و متلک اشاره دارد (خسروی پور، ۱۳۸۹)؛ که بر اساس نتایج این پژوهش ویژگی های تاکتیک حل تعارض خشونت روانی نیز نمی تواند تحت تاثیر ترتیب تولد فرزندان در خانواده قرار گیرد.

نتایج مطالعه حاضــر نشــان داد، ترتیب تولد تاثیر معناداری بر ســبک های فرزندپروری و تاکتیک های حل تعارضــات زناشــویی ندارد. نتایج این مطالعه با پژوهش های اوکای و همکاران (۲۰۲۰)، وس و هایدن (۱۹۸۵)، زندی (۱۳۹۳)، همســو بود و با پژوهش های بریشــا و همکاران (۲۰۲۱)، بونیســلی و همکاران، (۲۰۱۱)، وینچ (۱۹۶۷)، ایمان زاده و همکاران (۱۴۰۰)، اطمینان (۱۳۹۶)، قادری و همکاران (۱۳۹۴) مغایرت داشت. با توجه این که پژوهش حاضر در کشور شاید جزء اولین تحقیقاتی باشد که به بررسی تاثیر ترتیب تولد در سبک های فرزندپروری و تاکتیک های حل تعارضات زناشویی پرداخته باشد، در سطح نظری، توانسته است به نوعی به این خلاء پژوهشی پاسخ دهد. هرچند که برای رسیدن

[1] . Jun

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

به نتایج قطعی تر به پژوهش های بیشـــتری با در نظر گرفتن عوامل مداخله گر و با اســـتفاده از ابزارهای مختلف در این حیطه نیاز است.

منابع

اطمینان, کافی, سید موسی. (۱۳۹۶). رابطهٔ ترتیب تولد خانوادگی دانشجویان با سبک زندگی آن ها. مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری, ۲(۹), ۲۷-۱۶.

ایمانزاده, وحیده, محب, نعیمه, عبدی, & هنرمند عظیمی. (۲۰۲۱). شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق و ارائهٔ مدلی برای پیش‌بینی طلاق با استفاده از الگوریتم درخت تصمیم. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی, ۱۲(۲).

برک، لورا. ای. (۲۰۰۸). *روان شناسی رشد*، ترجمهٔ یحیی سید محمدی. (۱۴۰۰). تهران: انتشارات ارسباران.

پناغی، لیلی و همکاران (۱۳۹۰). بررسی پایایی، روایی و ساختار عاملی مقیاس تجدید نظر شده تاکتیک های حل تعارض. *فصلنامه خانواده پژوهی*،۲۵، ۱۰۳ – ۱۱۷.

خسروی پور، الناز. (۱۳۸۹). *عوامل خطرساز خشونت زناشویی در مردان و زنان متاهل*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

دریای لعل, ازیتا, عباسی, لیلی, ابراهیمی مقدم, ندا. (۱۳۹۸). مقایسه سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده و ترتیب تولد در افراد مبتلابه اختلال وسواس فکری-عملی و افراد عادی. نشریه علمی رویش روان شناسی, ۸(۵), ۱۲۲-۱۱۳.

دولتی، علیرضا. (۱۳۹۰). شیوه های فرزند پروری والدین. *پیوند*، ۳۷۹، ۶۱-۶۳.

زندی، نسیم. (۱۳۹۳). *نقش پیش بینی کننده ی ترتیب تولد و ویژگی های شخصیتی بر رضایت زناشویی زنان متاهل شهرستان بروجرد*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان.

سهبانی، محمد سعید؛ سهبانی، سارا. (۱۴۰۰). کتاب ویژگی‌های شخصیت افراد بر اساس ترتیب تولد. انتشارات آزمون یار پویا: تهران.

شولتز، داون، شولتز، سیدنی الن. (۲۰۰۵). *نظریه های شخصیت*. ترجمه: محمدی، سید یحیی (۱۴۰۰). تهران: نشر ویرایش.

صلیبی، ژاسنت، احمدی، عارفه‌السادات. (۱۳۹۲). رابطهٔ بین شیوه‌های فرزندپروری و کمالگرایی مادران با سازگاری عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان دختر سال دوم دبیرستان. *پژوهشنامه زنان*، ۴(۱)، ۱۳۹-۱۶۲.

قادری، کبری، سیمی، زهرا، مخلوق، محسن، قلی پور، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ترتیب تولد با رضایتمندی زناشویی و عزت نفس همسران. *اولین همایش علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب شناسی جامعه. بصورت الکترونیکی، شرکت طلای سبز، انجمن پایش.*

کمیجانی، مهرناز، ماهر، فرهاد. (۱۳۸۶). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین نوجوان با اختلالات سلوک نوجوانان عادی، *دانش و تحقیق در روان‌شناسی*. ۳۳، ۹۴-۶۳.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

گلسر، ویلیام؛ گلسر کرین. (۲۰۰۰). *ازدواج بدون شکست (حل معمای ازدواج با تئوری انتخاب)*. ترجمه: علی صاحبی(۱۴۰۰). تهران: سایه سخن.

محمدخانی، پروانه، آزادمهر، هدیه و متقی، شکوفه. (۱۳۸۹). رابطه خشونت جنسی و نگرشهای زناشویی و همراهی انواع خشونت در روابط زناشویی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۳، ۲۰۲ – ۱۹۵.

ملکی، قیصر، رضی، پوریا، بهادر، مرتضی، شکوری، حجت، امامی، احمدعلی. (۱۳۹۳). تاکتیک های حل تعارض در زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱، ۸۲-۹۱.

نعیم، مهدی؛ رضایی شریف، علی؛ علیقلی زاده مقدم، سحر. (۱۳۹۷). رابطه پرخاشگری و ترتیب تولد در کارکنان نیروی انتظامی. فصلنامه علمی -پژوهشی طب انتظامی دوره ۷، شماره ۳، ۱۲۲-۱۱۷.

Abdul Gafor, K. & Kurukkan, A. (2014). Construction and Validation of Scale of Parenting Style. *Online Submission*, 2(4), 315-323.

Alsyabi A., Aldhafri S.,Alsiddiq F., (2021). "Parenting Styles: A comparative study between Omani and Saudi female students". Journal of Educational Sciences. Issue 17.

Anyanwu JI, Obiyo NO, Ugwuanyi LT, Adikwu V, Ubah JC, Obata MI, Otu MS. Age and Birth Order as Factors for Parental Stress of Children with Autism and Coping strategies. International Journal of Applied Engineering Research. 2018; 13(21):15299-309.

Berisha, G., Krasniqi, B., & Lajçi, R. (2021). Birth order revelations about managers. Management Research Review.

Bonisoli-Alquati, A. Boncoraglio, G., Caprioli, M., & Saino, N. (2011). Birth order, individual sex and sex of competitors determine the outcome of conflict among siblings over parental care. *Proceedings of the Royal Society of London B: Biological Sciences*, 278(1709), 1273-1279.

Buri, J.R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*. 57,110–119.

Calvete, E., Corral, S., & Estévez, A. (2007). Factor structure and validity of the Revised Conflict Tactics Scales for Spanish women. *Violence against women*, 13(10), 1072-1087.

Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Blletin*, *113*, 487-496.

Diaz, Y. (2005). *Association between parenting and child behavior problems among mothers and children*. Dissertation, University of Maryland.

Hallers-Haalboom, E. T., Mesman, J., Marlaen, Groenavald, M. G., Endandijk, J. J., van Berkel, S. R., van der Pol, L. D., & Bakermans-Krananburg, M. J. (2014). Mothers, fathers, sons, and daughters: Parental sensitivity in families with two children. *Journal of Family Psychology*, 28(2), 138-147

Jun, H. J., Rich-Edward, J. W., Boynoton-Jarrett, R. Wright, R. J. (2008). Intimate partner violence

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

cigarette smoking: Association between smoking and psychological abuse with and without co-occurre of physical and sexual abuse**.** *American Journa public Health*, 98, 527-535.

Keller, H. & Zach, U. (2002). Gender and birth order as determinants of parental behavior. *International Journal of Behavioral Development*, 26(2), 177-184.

Nilüfer, G. (2016). *the relationship between birth order, perceived parenting styles, and early maladaptive schemas*. THE DEGREE OF MASTER OF SCIENCE.

Okoi, J. E. (2020). BIRTH ORDER AND MARITAL ADJUSTMENT AMONG MARRIED COUPLES IN RIVERS STATE, NIGERIA. Journal of Education in Developing Areas, 27(1), 66-75.

Olson, H., Defrain, J (2001). *Marriages and Families (Intimacy, Diversity and Strenghts), (4 th ed)*. Kenethking, New York.

Rohrer, J. M., Egloff, B., & Schmukle, S. C. (2015). Examining the effects of birth order on personality. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 112(46), 14224-14229.

Rubin RM, Hubbard JA. Children's verbalizations and cheating behavior during game playing: The role of sociometric status, aggression, and gender. J Abnorm Child Psychol. 2003;31(1):65-78.

Shalash, F. (2011). *Sibling Conflict Resolution Styles and Marital Conflict Resolution Styles*. University of Kentucky Master's Theses.

Someya, T., Uehara, T., Kadowaki, M., Tang, S. W., & Takahashi, S. (2000). Effects of gender difference and birth order on perceived parenting styles, measured by the EMBU scale, in Japanese two-sibling subjects. *Psychiatry and clinical neurosciences*, *54*(1), 77-81.

Sputa, C. L., & Paulson, S. E. (1995). Birth order and family size: Influences on adolescents' achievement and related parenting behaviors. *Psychological Reports*, *76*(1), 43-51.

Sruthy, R., & Naachimuthu, K. P. (2017). Family relationships and general well-being of adolescents and young adults. Indian Journal of Health and Wellbeing, 8 (7) 674-679.

Theresya, J., Latifah, M., & Hernawati, N. (2018). The Effect of Parenting Style, Self-Efficacy, and Self Regulated Learning on Adolescents' Academic Achievement. Journal of Child Development Studies, 3(1), 28-43.

Tyagi, Pooja (2017). To assess the relation between parenting style of parents and birth order in personality of adolescents. Internat. J. Appl. Home Sci., 4 (7 & 8) : 513-518.

Van Volkom, M., Dirmeitis, D., & Cappitelli, S. (2019). An Investigation of the Connection between Parenting Styles, Birth Order, Personality, and Sibling Relationships. Journal of Psychology and Behavioral Science, (7), 55-63.

Vos, C. J. V., & Hayden, D. J. (1985). Birth-Order Complementarity and Marital Adjustment. *Journal of Marriage and the Family*, 723-727.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

Winch, R. F. (1967). Another look at the theory of complementary needs in mate selection. *Journal of Marriage and the Family*, *29*(4), 756-762.

Zrour, C., Naja, W., Chahoud, M., Halabi, A., Badaoui, A., & Haddad, R. (2021). Parenting Styles and Psychiatric Profile of Parents of Adult Substance Use Disorder Patients: Cross-sectional Study. International Journal of Mental Health and Addiction, 1-16.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۲، شماره ۱۶، بهار سال ۱۴۰۱

Comparison of parenting styles and marital conflict tactics based on the couple's birth order

Zoleykha Javadi Sarikhanbegloo[۱],Alireza Boostanipoor[۲]

Abstract

This study aims to determine differences of parenting styles and tactics of marital conflicts, based on birth order of couples. The population of this casual-comprative research, include all the couples referred to counseling centers in Tehran. Sampling conducted from volunteers. Baumrind Parenting styles (1966) and conflict resolution tactics questionnaire of Strauss et al. (2007) performed. Data gathered analyzed by ANOVA. The results show that birth order causes no significant changes in authoritative parenting, authoritarian and permissive styles. This means that there is no difference between authoritative parenting styles, authoritarian and permissive couples with various birth order. The results showed that birth order make no significant changes in tactics of attack and negotiation (aggressive-victim form). This means that there is no difference between attack and negotiating tactics (aggressive-sacrifice form), in couples with different birth order. Finally, the results showed that there is no difference in couples with different birth order, in adopting the tactic of negotiation (victim form), While birth order in the sample caused a significant change in the aggressive form. This means that there are differences in couples with different birth order, in adopting negotiations between other tactics (aggressive form).

Keywords: styles of parenting, marital conflict tactics, birth order.

[1]Master of Counseling and Guidance, Islamic Azad University, Research Sciences Branch, Tehran, Iran (javadi.f60@gmail.com)
[2] Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Tehran Branch (Corresponding Author)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-21]